



مطالعه کیفی جایگاه هنر و تربیت هنری در نظام آموزشی کشور

این پژوهش کیفی به تبیین و مستندسازی جایگاه هنر و تربیت هنری در نظام آموزشی کشور و بررسی وضعیت تدریس هنر در مدارس متوسطه اول پرداخته است. یافته‌ها حاکی از آن است که علی‌رغم وجود کتاب‌درسی هنر، تدریس این حوزه با محدودیت‌هایی مواجه است که مانع رشد ظرفیت‌های هنری دانش‌آموزان می‌شود و ضرورت تجدیدنظر و اصلاح جایگاه هنر در نظام آموزشی را نمایان می‌سازد. این مقاله در شهریور ۱۴۰۳ در وبگاه پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات منتشر شده است.

هدف اصلی این پژوهش کیفی تبیین و مستندسازی جایگاه هنر و تربیت هنری در نظام آموزشی کشور و بازنمایی مشکلات مبتلابه آن از طریق بررسی این سؤال مبنایی است؛ در اصل وضعیت فعلی اجرا و تدریس هنر در مدارس متوسطه کشور به چه صورت است؟ پاسخ به این سؤال از طریق تحلیل وضعیت تدریس و جایگاه درس هنر در یک مدرسه متوسطه دوره اول و با استفاده از روش خبرگی و نقادی تربیتی آیزنر انجام شد. در این روش، وضعیت و مشکلات موجود هنر و تربیت هنری در قالب چهار مرحله توصیف، تفسیر، ارزشیابی و مضمون‌یابی مورد واکاوی و تحلیل عمیق قرار گرفت. اطلاعات موردنیاز پژوهش نیز از طریق مشاهده، تصویربرداری و مصاحبه با کادر مدیریتی و آموزشی و دانش‌آموزان مدرسه جمع‌آوری و سپس سازمان‌دهی و مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌های حاصل از پژوهش نشان داد که علی‌رغم آنکه در برنامه‌های آموزشی و درسی دوره متوسطه اول، هنر در قالب یک کتاب‌درسی مدون وجود دارد؛ ولی عملاً تدریس و اجرای این حوزه مهم با محدودیت‌ها و تنگناهای مختلفی مواجه است و شرایط لازم برای تحقق اهداف هنری و زیبایی‌شناختی نظام آموزشی وجود ندارد. بدیهی است این امر منجر به آن می‌شود که بخش قابل‌توجهی از ظرفیت‌های هنری و زیبایی‌شناختی دانش‌آموزان رشد و شکوفا نشود. براین‌اساس، ضرورت دارد که جایگاه و نقش هنر در نظام آموزشی کشور ازجمله در دوره متوسطه اول مورد تأمل و تجدیدنظر واقع‌شده و اصلاح‌هایی لازم در آن انجام بگیرد.